

## مدیرکل صداوسیما ی مهاباد منصوب شد

پیمان جبلی در حکمی، علی عیسی‌زاده را به عنوان مدیرکل جدید مرکز مهاباد منصوب کرد. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی پیمان جبلی ماموریت‌های زیر را به عیسی‌زاده محول کرده است: تلاش در مسیر عدالت رسانه‌ای پاندوین برش استانی سند تحول و فهرست‌ها و پیوست‌های مربوطه و تمهید جهش فکری و کیفی در تولید محتوای حرفه‌ای و مردمی، انجام تدابیر لازم برای هم‌افزایی حداکثری رسانه ملی با ظرفیت‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی،

## گفت‌وگوی «جام جم» با کارگردان مستند رادیویی درباره شهید سلیمانی

# دیگر از چیزی نمی‌ترسم!

اکرم اویسی گروه رسانه

«از چیزی نمی‌ترسیدم» مستندی است متفاوت از زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی که حوادث و اتفاقات دوران کودکی این شهید بزرگوار را روایت می‌کند. این اثر که موفق به کسب عنوان برترین مستند در جشنواره‌های «پژواک» و «نشان سلیمانی» شده است و برخلاف بیشتر مستندهایی که درباره شهید سلیمانی ساخته می‌شود کمتر به اقدامات ایشان در جوانی و حوزه مقاومت پرداخته و درباره زندگی شخصی و دوران کودکی و نوجوانی آن شهید صحبت کرده است. مجتبی حسنی، تهیه‌کننده «از چیزی نمی‌ترسم» در گفت‌وگو با جام جم از قالب مستند رادیویی و همچنین پرداختن به زوایای تازه‌ای زندگی سردار سلیمانی نکاتی را بیان کرد.

مجتبی حسنی، تهیه‌کننده «از چیزی نمی‌ترسیدم» که از رادیو جوان پخش شده است در مورد دلیل پرداختن به دوران کودکی و نوجوانی شهید قاسم سلیمانی و روایت زندگی شخصی ایشان در این دوره توضیح داد: از چیزی نمی‌ترسیدم، کتاب خود نوشته شهید قاسم سلیمانی است که اسم مستند نیز هم‌نام کتاب ایشان است که دلیل اصلی رفتن به سمت ساخت این مستند همین روایت خود شهید سلیمانی از اتفاقات زندگی شخصی‌اش بود. این مستند لحظه به لحظه دوران خردسالی و کودکی شهید سلیمانی را تا قبل از انقلاب اسلامی و پیروزی بر رژیم طاغوت روایت کرده است. وی ادامه داد: ما برای ساخت این مستند سعی کردیم واژه به واژه با خود کتاب پیش برویم و سراغ اتفاقات و اشخاصی رفتیم که در کتاب آمده است. به عنوان مثال، کتاب با جمله «نسب ما را خواهرم هاجر می‌شناسد» شروع می‌شود و ما سراغ هاجر خانم، خواهر حاج قاسم رفتیم که در روستای همجوار قنات ملک زندگی می‌کند و با او به گفت‌وگو نشستیم.از چیزی نمی‌ترسیدم، پس از سفر ما به روستای قنات ملک در پنج قسمت ۳۰ دقیقه‌ای تهیه شد.

### استقبال گرم اهالی قنات ملک

حسنی درباره همکاری خانواده شهید سلیمانی برای گفت‌وگو و ساخت



### گفت و شنود

## «گیل دخت» را با عشق ساختیم، نه با پول

محمود پاک‌نیت این شب‌ها سریال «گیل دخت» را روی آنتن دارد و با ایفای نقش «تقی‌خان» بار دیگر یادآور کاراکتر «ارباب» در سریال نوستالژیک «پس از باران» در دهه ۸۰ است.

وی درباره ارزیابی‌اش از این مجموعه تلویزیونی این‌گونه بیان می‌کند: به نظرم گیل دخت کار خوبی است. درواقع ورفی از تاریخ در مقطعی از ایران است.

متاسفانه مردم و جوانان ما از گذشته خودشان خیلی خبر ندارند و تاریخ را نمی‌خوانند، پس چه بهتر که تاریخ به صورت تصویر در بیاید و نشان داده شود برای آنهایی که فرصت مطالعه ندارند و از این طریق از گذشته مملکت خودشان باخبر شوند.

بازیگر نقش تقی‌خان در پاسخ به این‌که فکر می‌کنید در شرایط فعلی، پخش سریال‌های تاریخی مثل

گیل دخت برای مخاطبان جذابیت داشته باشد؟ بیان می‌کند: هر کسی که به گذشته مملکت و اجدادش علاقه داشته باشد و بخواهد بداند که واقعا چه اتفاقاتی افتاده است، دوست دارد تاریخ را مطالعه

علمی‌ومدیریتی منطقه‌وتعامل فعال باجبهه‌فرهنگی -اجتماعی انقلاب اسلامی، توجه ویژه به حوزه‌های مغفول عملیات رسانه‌ای اعم از روستاها، نخبگان و فرهیختگان، پشتیبانی رسانه‌ای از سبک زندگی ایرانی-اسلامی و انقلابی، چهاردهم دی مراسم تکریم و معارفه مدیرکل صدا و سیما ی مرکز مهاباد برگزار شد و حسن عابدینی، معاون امور استان‌های صداوسیما عیسی‌زاده را به عنوان مدیرکل مرکز مهاباد معرفی کرد و با اهدای لوح سیاس،

از تلاش‌های بهرام قوی‌بنیه در دوره هشت ساله مدیریت و بیش از یک دهه حضور در آن مرکز تشکر کرد. عیسی‌زاده متولد ۱۳۵۱ و دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل است. وی سال ۷۷ وارد سازمان صداوسیما شد و پیش از این، قائم‌مقام صداوسیما ی مرکز زنجان بوده و معاونت صدای آن مرکز، معاونت صدا، سرپرستی معاونت اداری- مالی و قائم‌مقامی صداوسیما ی مرکز آذربایجان شرقی را در کارنامه مدیریتی خود دارد.



عبدالله شریعتی، مدیرکل صدا و سیما، در مراسم معارفه مدیرکل مرکز مهاباد صدا و سیما.

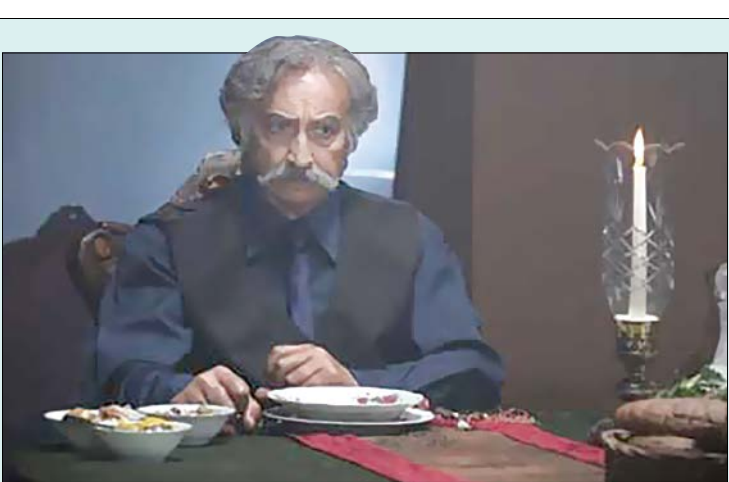
و نزدیکان حاج قاسم بود و اگر کمک این عزیزان نبود، این مستند ساخته نمی‌شد.

تهیه‌کننده از چیزی نمی‌ترسیدم در پاسخ به این سؤال که این مستند تا چه میزان به مخاطبان نکات تازه و ناگفته ارائه می‌دهد، تصریح کرد: اگر مستند را شنیده باشید، نکات ناگفته زیادی هم در مصاحبه با اشخاصی که اسم آنها در کتاب آمده، بیان شده و هم روایتی شنیدنی از خود کتاب در مستند ارائه شده است. مثلا حاج قاسم قبل از انقلاب در اداره آب و فاضلاب کار می‌کرد یا خاطره اولین دزگیری حاج قاسم با پلیس روایت شده است. به گفته شهید «روز عاشورا بود که برای سر زدن به دوستم به هتل کسری آمده بودم هواگرم بود و هر دوی ما ز پنجره ساختمان پایین رانگاه می‌کردیم. آن طرف خیابان دختر جوانی با سر برهنه و موهای کاملاً بلند در پیاده‌رو در حال حرکت بود که در آن روزها یک امر طبیعی بود در پیاده‌رو یک پاسبان شهربانی به او جساتری کرد، این عمل زشت او در روز عاشورا برآشفته‌ام کرد، بدون توجه به عواقب آن، تصمیم به برخورد با او گرفتم. آن قدر عصبانی بودم که عواقب این حمله برایم هیچ اهمیتی نداشت، با چند ضربه کاراته او را نقش بر زمین کردم، خون از بینی‌اش فواره زد! پلیس راهنمایی سوت زد، دو پاسبان به سمت ما دویدند، با همان سرعت فرار کردم و به ساختمان هتل پناه بردم. زیر یکی از تخت‌ها دراز کشیدم. تعداد زیادی پاسبان به هتل هجوم آوردند، نزدیک دو ساعت همه جا را گشتند اما نتوانستند مرا پیدا کنند. زدن پاسبان شهربانی مفرورم کرده بود، حالا دیگر از چیزی نمی‌ترسیدم…»

البته نام کتاب هم برگرفته از همین خاطره است.

### مستند؛ سخت‌ترین فرم برنامه‌سازی

حسنی با اشاره به این‌که از بین تمام فرمت‌های برنامه‌سازی، رادیو را سخت‌ترین فرم برنامه‌سازی می‌داند، گفت: مستند به دلیل رئال بودن سخت‌ترین قالب برنامه سازی است و شما باید شواهد مختلفی برای اثرتان داشته باشید. علاوه بر این، تهیه و ساخت مستندها اغلب در شرایط سخت انجام می‌شود و بیشتر اوقات دسترسی به استودیو یا امکانات دیگر بسیار محدود است. البته نیازی هم به وجود امکانات یا استودیو نیست اما برنامه‌ساز برای ساخت مستند راهی مسیری می‌شود که با وجود برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری‌های قبلی، همچنان با ناشناخته‌هایی مواجه می‌شود که او را دچار چالش می‌کند. سوالاتی از قبیل این‌که آیا سوزه‌هایی که مد نظر دارد، سر راه او قرار خواهد گرفت؟ آیا افراد و سوزه‌ها یا شما همکاری خواهند کرد؟ آیا شرایط برای ضبط مهیا می‌شود؟ و بسیاری از سوالات که همیشه دغدغه ذهنی مستندساز است و همین شرایط سخت و متفاوت، مستند را برای مخاطبان جذاب کرده است.



و «سنجرخان» هم ایفای نقش کرده، می‌گوید: خودم کارهای تاریخی را بسیار دوست دارم و فکر می‌کنم در این ژانر موفق‌ترم. در جشن سربرون باز هم نقش یک خان را بازی کرده‌ام اما خان منفی که آن هم به نظرم کار بسیار جذاب و زیبایی است که به کارگردانی آقای مجتبی راعی ساخته شده و بسیار کار پرباثری و پر از گرّه و تعلیق است که تماشاگر اگر پایش بنشیند قطعاً دلم نمی‌خواهد پایان کار را بزند.

### خاطرات کاغذی

### گرچه سگ

**مریم فلاح:** دو برادر به هم چسبیده که دارای دو بعد هوشیاری وعاطفی هستند. «گرچه سگ» از والدین خود که یک قورباغه و یک موجود پاگنده بودند، توسط گردباد جدا شدند. خانه «گرچه سگ» نیمی به شکل ماهی و نیمی به شکل استخوان است و در این خانه با موشی به نام «وینزلو» زندگی می‌کنند. گرچه نماد عقل است. تلویزیون تماشا می‌کند، روزنامه می‌خواند، برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند. اما سگ نماد دل است و آخر سرخوشی. با پروانه بازی می‌کند، خیالبافی‌هایی دارد و معمولا در عالم خودش است. بدن این دو از وسط به هم چسبیده بود، برای همین هر کاری می‌خواستند انجام دهند باید دیگری رضایت دیگری را جلب می‌کردند؛ معمولا هم گرچه موفق‌تر بود و سگ را راضی می‌کرد که برایش نقش پا را بازی کند. گرچه از آن بالا دستور می‌داد اما این سواری تا وقتی بود که سگ ماشین حمل زیاله، توپ، پروانه و ماشین اداره پست را نبیند. طنز شوخ طبعی منطق با رفتار و خصوصیات سگ و گرچه با صدایپیشگی تیورنر(نمبر(گریده) و علی همت مومینود(سگ) تماشا یی این کارتون را برای مان لذت بخش می‌کرد.



جام جم

رسانه

MEDIA

شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱

شماره ۶۴۰۰

### یادداشت

نگاهی به سریال «خروس» که از آی فیلم پخش می‌شود

### ماجراهای یک پدر

مهدیه رشایی گروه رسانه

ماه رمضان سال ۹۲ بود که سعید آقاخانی سریال «خروس» را کارگردانی کرده بود تا سفره افطار شبکه دو سیما را به واسطه یک مجموعه طنز شیرین بر کند. مسلما وقتی مخاطبان نام آقاخانی را می‌شنوند، انتظار تماشای یک اثر طنز را دارند که این خود نشان‌دهنده سبک کاری این بازیگر، نویسنده و کارگردان تلویزیون است. این کارگردان برای ساخت این اثر به سراغ چهره‌هایی همچون حمید لولایی، جواد رضویان، یوسف تیموری، سیند امیرسلیمانی، مرضیه صدایی، کریم اکبری مبارکه، عزت... مهرآوران، ملیکا شریفی‌نیا و ... رفت تا بتواند یک اثر جذاب و تماشایی را تولید کند. درواقع یکی از کارگردان‌هایی که طی چند سال گذشته در زمینه طنز تجربه‌های موفقی کسب کرده، سعید آقاخانی است. نگاهی به تجربیات پیش از این آقاخانی در سریال‌هایی مثل «زن بابا»، «خوش نشین‌ها»، «دزد و پلیس»، «نون و خ» و چند مجموعه دیگر، نشان می‌دهد که او در ساخت مجموعه‌های طنز موفق است.

سریال خروس که نویسنده‌ی آن را مصطفی کبابی به عهده

داشت، روایت جالبی از زندگی پدری است که دچار مشکل

غیرمنتظره‌ای می‌شود. این مشکل خانواده را به تکاپو

می‌اندازد و پسر خانواده با همفکری دوستانش تلاش

می‌کند چاره‌ای برای رفع این مشکل بیابندش. در نقشه

بچه‌ها، مغز متفکر یک خروس است.



آقاخانی برای ساخت سریال خروس به سراغ بازیگران شناخته‌شده رفت و از آنها در نقش‌های اصلی بهره برد؛ هرچند در قسمت‌های اول از حمید لولایی خبری نبود و بخش اعظم قصه سریال، حضور یوسف تیموری در لباس یک خروس بود اما با این حال او بار طنز مجموعه را میان بازیگران سریال تقسیم کرد تا از قابلیت‌های همه بازیگران استفاده کند. ایده مرکزی خروس که اتفاقات داستان را موجب می‌شود، ماجرای مردی است که به دلیل مشکل مادی نمی‌تواند از بیمارستان خارج شود و با این‌که مشکل جسمی‌اش حل شده، در بیمارستان محبوس می‌ماند. پسر این مرد (اسی بابازی جواد رضویان) در خارج از بیمارستان به آب و آتش می‌زند تا بتواند پدرش را از این موقعیت نجات دهد اما هربار اتفاقی می‌افتد که اوضاع پیچیده‌تر و او از هدفش دورتر می‌شود.

این ایده و انتخاب چنین موقعیتی، در نگاه اول جدید به نظر می‌رسد. این‌که آدمی ناخواسته و به دلایلی در محیطی که باید خیلی وقت پیش از آن خارج می‌شده، گرفتار شود و کم‌کم سعی کند طور دیگری به پیرامون خود نگاه کند تا با حضورش تغییری در محیط ایجاد کند. بنابراین می‌توان گفت که ایده سریال خروس برای مخاطبان جذاب و تماشایی بود.

گرچه در سریال خروس، بهانه همه ماجراها خلاص کردن پدر از آن موقعیت ناراحت‌کننده است اما برای اتفاقاتی که در ادامه رخ می‌دهد، ژوم چنین انگیزه‌ای احساس نمی‌شود و مخاطب را اراحت نمی‌کند، بلکه لبخند را به مخاطبان هدیه می‌دهد. ضمن این‌که تلاش بی‌وقفه‌اسی برای تهیه پول و بدبباری‌هایش، اوج‌ها و تعلیق‌های داستان را به‌وجود می‌آورد؛ آن هم تلاش بیپرده‌ای که بدبباری‌های پشت آن هم نتیجه بی‌فکری‌های خود اسی است. او خودش را به مخصمه می‌اندازد و اسیر دنانم‌کاری‌هایش می‌شود. در مجموع سریال خروس در زمان پخش و حتی در بازپخش‌ها، توانست نظر بسیاری از مخاطبان را جلب کند.

